

بررسی رابطه عملکرد خانواده (طبق الگوی سرکامپلکس السون)

و رفتارهای انحرافی میان نوجوانان (۱۷-۱۳) قائم شهر

علی اصغر عباسی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۷

چکیده

این تحقیق سعی دارد که اصل ارتباط والدین-نوجوانان را همان طوری که در انواع مختلف سیستم‌های خانواده مشاهده شده (طبق الگوی سرکامپلکس السون) توصیف کند و تأثیر آن را بر روی رفتارهای انحرافی نوجوانان بررسی کند. برای انجام تحقیق حاضر از میان ۲۰۸۱۲ نوجوان ساکن در قائم شهر، ۴۰۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند؛ و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد شده و محقق ساخته استفاده شد و پایایی هر یک از ابعاد با روش آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش و قابل قبول ارزیابی شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس یک سویه و آزمون t دو گروهی مستقل استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که: رفتارهای انحرافی در بین پسران بیشتر از دختران می‌باشد و اکثر نوجوانان در خانواده‌های پیوسته متعادل و انعطاف پذیر متعادل بوده‌اند و تفاوت معناداری بین انواع خانواده و رفتارهای انحرافی وجود داشته است و با توجه به آزمون شفه، نوجوانانی که خانواده‌هایشان جداست به طور معناداری با نوجوانانی که در خانواده‌های مرتبط و گرفتار است از رفتارهای انحرافی بالاتری برخوردارند. تفاوت موجود در میانگین رفتار انحرافی بین خانواده ساختارمند با خانواده انعطاف پذیر وجود دارد و نوجوانانی که نوع خانواده‌شان ساختارمند است به طور معناداری با نوجوانانی که نوع خانواده‌شان انعطاف پذیر و آزاد است رفتارهای انحرافی بالاتری را دارند. به طور کلی می‌توان گفت: طبق الگوی سرکامپلکس السون نوجوانانی که در خانواده‌های میانی قرار دارند، رفتارهای انحرافی بیشتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: نوجوانان، عملکرد خانواده، انعطاف پذیری خانواده، پیوستگی خانواده، رفتارهای انحرافی

مقدمه

رفتارهای انحرافی پدیده ای اجتماعی و دارای بستر اجتماعی است که عوامل بسیاری در نحوه شکل گیری و بروز نوع رفتار انحرافی مؤثر می باشند، در این تحقیق تبیین مسأله بر اساس عامل محیط اجتماعی، به نوعی نحوه عملکرد مهم ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده می باشد. که نقش مهمی را در همکاری و متجانس کردن رفتارهای هنجاری افراد با محیط اجتماع بر عهده دارد.

به نظر می رسد افزایش میزان رفتارهای انحرافی در میان نوجوانان حاکی از تضعیف مناسبات گروهی خانواده بوده، به طوری که وحدت گروهی از هم پاشیده است. به هر میزانی که روابط اعضاء از سیطره روابط صمیمی، عاطفی و اخلاقی خارج شود، خطر از بین رفتن کارکرد بسیار مهم خانواده آموزش هنجارها و ارزش های اجتماعی به فرزندان دور نخواهد بود.

آنچه مهم است مناسبات و پیوندهای اعضای خانواده است به طوری که افراد به عنوان عاملین نقش ها باید به گونه ای ایفا نمایند که کارکرد اساسی حفظ وحدت و انسجام خانواده را به دنبال داشته باشد، عدم عشق و محبت و نبود ثبات و هماهنگی در خانواده ها زمینه ساز رفتارهای انحرافی می باشد (روزبهبانی، ۱۳۷۸: ۱).

عملکرد خانواده به توانایی آن در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا، و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط است. تغییرات کمی و کیفی در فرآیند فوق باعث ایجاد رفتارهای اجتماعی متفاوت در خانواده و در مواردی نیز، به رغم اینکه می تواند پشتوانه ای برای سلامت رفتاری افراد باشد خود مشکلات رفتاری خاصی ایجاد می کند که یکی از این مشکلات رفتاری می تواند رفتارهای انحرافی نوجوانان (در محیط خانواده، مدرسه، در بین دوستان) باشد (کدیور و همکاران، ۱۳۸۳: ۹۸). دو جنبه کلیدی رفتار والدین که معمولاً محققان آن ها را مورد بررسی قرار می دهند حمایت و کنترل والدین هستند. حمایت به عنوان میزان مراقبت، نزدیکی و عاطفی است که والدین از خود بروز می دهند. این بسیار شبیه به وابستگی که در مدل سرکامپلکس ارزیابی شده است می باشد و کنترل به عنوان میزان انعطاف پذیری که والدین در اجرای قوانین و نظم فرزندان استفاده می کنند

تعریف شده است. کنترل بسیار به انعطاف‌پذیری در مدل سرکامپلکس است (بوث و آماتو^۲، ۱۹۹۷). دریافتند که روابط منحنی بین کنترل والدین و نتایج مثبت در فرزندان وجود دارد. آن‌ها گزارش داده‌اند که اگر والدین خیلی آسان‌گیر باشند (باعث ایجاد سیستم بی‌نظمی می‌شوند) یا خیلی سخت‌گیر (باعث ایجاد سیستم سخت و جدی می‌شوند) و این فرزندان با مشکلات بیشتری مواجه می‌باشند. این نکته فرضیه منحنی خطی مدل سرکامپلکس را که بیشتر فرزندان مشکل‌دار از سیستم‌های نامتعادل منشأ می‌گیرند را تأیید می‌کند (السون، ۲۰۰۶).

ادبیات تحقیق

رویکرد ساختاری در ارزیابی خانواده‌ها، اساساً توسط سالواد و رمینوچین و همکارانش شکل گرفت. نظریه پردازان ساختارگرا بر: (۱) کلیت نظام خانواده (۲) تأثیر سلسله مراتب خانواده (۳) کارکرد به هم پیوسته نظام‌های فرعی آن تأکید دارند و آن‌ها را تعیین‌کننده اصلی بهزیستی اعضا می‌دانند. در اصل، ساختار سازمانی زیر بنایی خانواده (یعنی، الگوهای تعاملی پایدار و نظم‌دهنده آن) و انعطاف‌پذیری آن در پاسخ به شرایط متغیر در سراسر چرخه زندگی خانوادگی است که باعث ظهور الگوهای کارآمد یا ناکارآمد می‌شود.

مینوچین (۱۹۷۴، به نقل از مظاهری، ۱۳۷۵) معتقد است رویکرد ساختاری به خانواده بر مبنای این مفهوم استوار است که خانواده چیزی بیش از پایه‌های روانی - زیستی منفرد اعضای آن است. اعضای خانواده در قالب آرایه‌های خاصی که حاکم بر تبادلهای آنان است، باهم رابطه برقرار می‌کنند. این آرایه‌ها، اگرچه معمولاً به وضوح ابراز یا حتی شناسایی نمی‌شوند، یک کل - یعنی، یک ساخت خانوادگی - را به وجود می‌آورند. ماهیت این ساختار از نظم و ترتیبی تبعیت می‌کند که با ماهیت فردی یکایک اعضا متفاوت است.

همانند بسیاری از نظریه‌های سیستمی، نظریه ساختاری به مواردی چون: مؤلفه‌های نظام چگونه با یکدیگر تعامل دارند، توازن چطور به دست می‌آید، ساز و کارهای پس‌خوراندی خانواده چگونه عمل می‌کنند، الگوهای ارتباطی ناکارآمد چگونه به وجود می‌آیند و...، علاقه‌مند هستند.

اشیترن، کلمنت و زیمون (۱۳۷۹) اعتقاد دارند که مینوچین در روند ارزیابی یک سیستم خانوادگی شش بعد مختلف را در نظر گرفته است: (۱) الگوهای تعاملی ترجیحی (۲) انعطاف‌پذیری و ظرفیت سیستم که عمدتاً در اتحادهای خانوادگی یعنی، شکل‌گیری زیر نظام‌ها نمایان می‌گردد (۳) بازتاب، یعنی، توجه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر (۴) بافت زیستی، که هم ذخایر موجود و هم تنگناهای احتمالی در خانواده را تشریح می‌کند (۵) مرحله رشد و تکامل کنونی خانواده و این مطلب که وظایف و اقدامات متناسب با این مرحله تا چه حد جامعه عمل می‌پوشد (۶) اهمیت تعارض و حفظ الگوهای تعاملی ترجیحی.

علاوه بر این مینوچین با تأکید بر قواعد خانواده، نقش‌ها، خرده نظام، مرزبندی، کلیت و سازمان برای روابط خانوادگی و الگوهای تعاملی در خانواده اهمیت فراوانی قائل است.

کولاپینتو (۱۹۹۱) اعتقاد دارد همانند آنچه که برای تمام موجودات انطباقی صادق است، خانواده نیازمند نوعی سازمان درونی است که تعیین می‌کند چگونه، چه وقت، و با چه کسی باید ارتباط برقرار کرد. الگوهای تبادلی حاصل از این سازمان، ساختار خانواده را شکل می‌دهند (همان).

این ساختار، اساساً معرف مجموعه‌ای از قواعد عملیاتی است که خانواده برای تحقق بخشیدن به کارکردهای مهم خود، آن‌ها را وضع کرده است. این ساختار، چارچوب شناخت الگوی هماهنگ، تکراری و پایداری را فراهم می‌آورد که نشان می‌دهد، چگونه یک خانواده برای حفظ ثبات خود سازمان‌دهی می‌شود و تحت مجموعه شرایط محیطی متغیر، چگونه به دنبال راه‌هایی می‌گردد که ارزش انطباقی دارند.

الگوهای تبادلی حاصله بین اعضای خانواده، باعث مرتب کردن و سازماندهی روابط نسبتاً ثابت فرد با واحدهای تشکیل دهنده خانواده می‌شوند و این الگوها رفتار اعضای آن را تنظیم می‌کنند.

مینوچین (۱۹۸۹، به نقل از مظاهری، ۱۳۸۵) خانواده را دارای ساختار سلسله مراتبی می‌داند و معتقد است که ممکن است خانواده کارکردهای اصلی خود را از طریق سازمان‌یابی در قالب زیر نظام‌های همزمانی که اغلب آرایشی مرتبه‌ای دارند، تحقق می‌بخشد؛ و این زیر نظام‌های خانواده بر طبق جنسیت (مرد/زن)، (والدین/فرزندان)، علائق مشترک (عقلی/اجتماعی) یا کارکرد (چه کسی مسؤول چه کاری است) ساخته می‌شوند. بنابراین خرده نظام‌ها به منزله اجزای ساختار خانواده هستند و یا به منظور اجرای تکالیف مختلف خانوادگی که برای کارکرد کل نظام ضرورت دارند، به وجود آمده‌اند. هر خرده نظام توسط مرزها و قواعد عضویت خاصی مشخص می‌شوند. این مرزها تعیین می‌کنند که شرکت‌کنندگان چه کسانی هستند و نقش‌هایی که در ارتباط با یکدیگر و سایر افراد خارج از این خرده نظام اعمال خواهند شد، کدام هستند. ترکیب ویژه هر خرده نظام، تقریباً به اندازه وضوح مرزهای آن اهمیت ندارد و مرزهای درون خانواده از لحاظ نفوذپذیری با یکدیگر تفاوت دارند و میزان دسترسی به هر خرده نظام، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضای خانواده را تعیین می‌کند.

درحالی‌که مرزهای کاملاً مشخص بین خرده نظام‌های خانواده، به حفظ جدایی افراد کمک می‌کند و همزمان بر احساس تعلق به کل نظام خانواده صحنه می‌گذارد، مرزهای بسیار خشک یا انعطاف‌ناپذیر باعث ایجاد سدها و موانع غیر قابل نفوذ بین خرده نظام‌ها می‌شوند.

وضوح مرزها در خانواده یک پارامتر مهم در ارزیابی عملکرد خانواده است. بنابراین بر اساس انعطاف-پذیری یا انعطاف‌ناپذیری و خشک بودن مرزها، خانواده‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. در چنین حالتی دنیای والدین و فرزندان از یکدیگر جدا و متمایز هستند و اعضای این خرده نظام‌ها قادر به ورود به دنیای یکدیگر نبوده و در نتیجه عطوفت و حتی تبادل ساده محبت با یکدیگر از بین می‌رود و ممکن است باعث بروز مشکلات و اختلالات رفتاری در فرزندان شود.

یکی دیگر از مباحث مهم در نظریه ساختاری مفهوم پیوستگی (انسجام) است که نشانگر الگوهای تبدیلی^۳ مهم اعضای خانواده است. السون و همکاران (۱۹۹۹) پیوستگی خانوادگی را به عنوان پیوندهای عاطفی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند تعریف می‌کنند.

۳- Transactional Pattern

مینوچین (۱۹۷۴) دو مفهوم ادغام شده و رها شده را برای توصیف الگوهای تبادلی خانواده بکار برده است. ادغام شده حالتی افراطی از نزدیکی و شدت تعامل‌های خانوادگی است که در آن اعضا به یکدیگر بیش از حد علاقه‌مند یا درآمیخته هستند. نظام مرزها در حد ناچیزی تفکیک شده است و به سادگی می‌توان از آن عبور کرد و خود مختاری و استقلال اعضا از بین می‌رود. در سویی دیگر، اعضای خانواده‌های گسسته یا رها شده کارکرد مجزا و مستقلی دارند و ارتباط آن‌ها فاصله‌دار است. اعضای خانواده احساس وابستگی نسبت به یکدیگر ندارند و در صورت لزوم نمی‌توانند از یکدیگر تقاضای حمایت کنند، فاصله بین فردی در آن‌ها زیاد است و مرزها در این خانواده سخت و خشک است (السون، ۱۹۹۹). مینوچین (۱۹۸۵) اعتقاد دارد که در خانواده‌ای با کارکرد سالم وضوح مرزها موجب می‌شود که هر عضو فردیت خود را حفظ کند اما احساس تعلق به خانواده را از دست ندهد.

انواع مدل‌های دیگر خانواده به طور مستقل بر متغیرهای مربوط به ابعاد انسجام، انعطاف‌پذیری متمرکز شده است. طبق آخرین مطالعه و بررسی لایبیت از مفاهیم سیستم خانواده، این‌طور نتیجه گرفت که چندین رویکرد تئوریک و نظریه‌ای، مفاهیم مربوط به دو بعد (انسجام و تغییر) را به کار بردند جدول، مفاهیم و بررسی‌های چندین نظریه‌پرداز را که به این سه چارچوب پرداختند را نشان می‌دهد.

جدول ۱- الگوهای تئوریک (نظریه‌ای) و سه چارچوب مدل (الگو) پیرامون خانواده (سرکامپلکس)

نظریه پردازان	انسجام	سازگاری (اعطای پذیری)	ارتباط
بیورز و ویلر	مرکز گرایی مرکز گریز	سازگاری با محیط (رشد نظاممند)	
اپستین و دیگران	درگیری عاطفی	کنترل رفتار حل مشکل نقش‌ها و وظایف	ارتباط پاسخ دهی عاطفی
کاتمن	اعتبار یابی	تقابل	
کاترویلر	عاطفه، انفعال	نیرو و قدرت	
لایبیت	تعلق	نیرو قدرت	
لف و ون	فاصله	حل مشکل	
ریس	هماهنگی	در میان گذاشتن با دیگران	

بیورز و ویلر به طور ویژه‌تری، عوامل و نیروهای مرکزگرایی و مرکز گریز خانواده را از دید مفهومی بسیار نزدیک به انسجام، توصیف می‌کنند. آن‌ها واژه و اصطلاح سازگار پذیری را در این طور مواقع

به کار می‌برند در صورتی که تعریف کاربردیشان کمی تفاوت است. اپستین و همکارانش به وسیله‌ی الگو و مدل برتر نقش‌پذیری مفاهیمی که تناسب زیادی با سه بعد اصلی دارند را به کار می‌برند. گاتمن، مفاهیم، اعتبار یابی و تقابل را که ارتباط نزدیکی با انسجام و تغییر دارند را به کار برد. مفهوم تأثیری که کانتروهلر ارائه کردند، خیلی به انسجام مرتبط است و مفهوم نیرو و قدرت از دیدگاه این دو نفر، مشابهت به سازگار پذیری دارد. لابییت هم در مطالعه و مقالی اخیر خود، شباهت مفهوم تعلق به انسجام و مفهوم نیرو و قدرت به سازگار پذیری را توصیف می‌کند. مفهوم فاصله‌ی لغت و وزن، ارتباط نزدیکی با انسجام دارد و مفهوم حل مشکل آن‌ها، مرتبط با سازگار پذیری است؛ و سرانجام، مطالعات آزمایش شدید و ریس به شدت به الگویی که بر حل مشکل خانواده تاکید می‌کند وابسته است. چارچوب و بعد هماهنگی از دید او به طور مفهومی به انسجام شباهت دارد و فاش کردن و در میان گذاشتن با دیگران به مفهوم تغییر شبیه است.

که این مطالعات به الگو و مدل سرکامپلکس اعتبار می‌بخشد:

در حالی که در الگوی سرکامپلکس، سه بعد وجود دارد اما در این الگو فقط به دو بعد انسجام و تغییر از دید تصویری، پرداخته شد. چون ارتباط، بعدی است که حرکت و جنبش خانواده‌ها را به سوی انسجام و تغییر، آسان می‌کند. الگوی سرکامپلکس، توانایی شناسایی ۱۶ گونه از سیستم‌های خانوادگی را با دو بعد انسجام و انعطاف‌پذیری به چهار نوع خانواده را به ما می‌دهد که این دو بعد، در خانواده‌هایی که در زمینه‌ی هر دو بعد خیلی کم یا خیلی زیاد، ظاهر می‌شوند، خمیده و قوس‌دار هستند ولی در خانواده‌هایی که از تعادل بیشتری برخوردارند یعنی در دو ناحیه‌ی اصلی قرار دارند، به نظر می‌رسد که از جایگاه بهتر و مناسب‌تری برخوردار شوند که این گونه خانواده را می‌توان به سه گروه کلی، تقسیم کرد. متعادل، میانه رو، نامتعادل که در شکل مشاهده می‌کنید. خانواده‌های متعادل، چهار بخش اصلی هستند که بر دو بعد پیوستگی و انعطاف‌پذیری متعادل هستند و انواع خانواده‌های میانه‌رو، آن‌هایی هستند که کرانشان بر یک بعد و توازنشان بر بعد دیگر قرار دارد و اما، انواع خانواده‌های کران (انتها)، مواردی هستند که کرانشان بر روی هر دو بعد قرار دارد.

الگوی سرکامپلکس^۴ یکی از جدیدترین و نظاممندترین الگوهای رفتاری خانواده (ترکیبی از سیستم‌های خانوادگی و مقیاس‌های ارزیابی وابستگی و سازگاری خانواده) است. که به وسیله السون و همکاران برای توصیف خانواده‌ها به کار گرفته شده است.

در حالی که نظریه ساختاری همانند سایر نظریه‌ها در این حوزه بیشتر با خانواده‌های دارای مشکل سروکار داشت، در الگوی سرکامپلکس بر الگوهای طبیعی تعاملات خانواده تأکید بیشتری می‌شود (مظاهری و همکارانش، ۱۳۸۵:۳۰). در این الگو با استفاده از طبقه‌بندی که در ابعاد انسجام^۵ (پیوستگی)، انطباق‌پذیری^۶ و ارتباطات انجام می‌شود، سنخ‌های خانوادگی تشخیص داده می‌شود. این سنخ‌ها شامل خانواده‌های متعادل، میانی و افراطی هستند.

پیوستگی به پیوندهای عاطفی اعضا خانواده نسبت به یکدیگر و استقلال افراد در نظام خانوادگی اشاره دارد. ۴ سطح از پیوستگی تعریف شده است که شامل: گسسته یا رها شده (پیوستگی خیلی کم)، جداشده (پیوستگی کم به سمت متوسط)، پیوسته (پیوستگی متوسط روبه بالا) و سرانجام ادغام شده یا گرفتار (پیوستگی خیلی بالا) است (السون، ۱۹۹۹).

در سطح درهم آمیخته یا ادغام شده استقلال وجود ندارد و اعضا خانواده تعلق و وابستگی بسیار شدید و بالایی نسبت به یکدیگر دارند و در قسمت دیگر گسسته یا رها شده است که بین اعضا خانواده، هیچ وابستگی و پیوند عاطفی وجود ندارد. خانواده‌های سالم در بعد پیوستگی، به توازن میان نزدیکی مفرط (گرفتار) و نزدیکی ضعیف و سست (از هم گسیخته) می‌رسند. که در این صورت طبق نظریه السون از نظر پیوند خانوادگی ۴ نوع خانواده وجود دارد.

خانواده فارغ و جدا^۷ (پیوند خیلی کم) اصولاً از «من» به جای «ما» برقرار است. که پیوند ضعیف و استقلال زیاد برای مثال: ارتباط خانوادگی محدود، عدم یا فقدان وفاداری و حسن مالکیت و تعلق در این خانواده‌ها زیاد است.

۴ -Circumplex Model

۵ -Cohension

۶ -Adaptability

۷ -Disnegaged

خانواده جدا^۸ (پیوند خیلی کم تا متوسط) بیشتر از «من» به جای «ما» استفاده می‌شود. جدایی عاطفی تر و احساسی‌تری نسبت به باهم بودن برقرار است. بیشتر به جای وابستگی، استقلال در آن حاکم است. برای مثال: در حالی که جدا از هم هستند و تنها ایند مهم می‌باشد، بعضی اوقات با هم هستند بعضی از تصمیم‌گیری‌ها مشترک در آن دیده می‌شود و وفاداری به یکدیگر در آن برقرار است. خانواده مرتبط^۹ (پیوند متوسط یا متعادل تا زیاد) بیشتر «ما» و سپس «من» نزدیکی و قرابت متعادل تا زیاد برقرار است و در برابر رابطه خانوادگی به طور چشمگیری وفادار می‌باشند و بیشتر با هم هستند تا اینکه جدا از هم باشند. برای مثال: منافع مشترک همراه با بعضی از فعالیت‌های مجزا و جداگانه می‌باشد (همان).

خانواده به هم پیوسته^{۱۰} (پیوند خیلی زیاد) اصولاً «ما»، پیوند خانوادگی بیش از حد و استقلال فردی محدود است. برای مثال: افراد خیلی به یکدیگر وابسته‌اند و نسبت به یکدیگر واکنش از خودشان نشان می‌دهند. کمبود یا نبود جدایی شخصی و فضای اختصاصی کمی وجود دارد (همان). انعطاف‌پذیری به قابلیت تغییرپذیری خانواده در پاسخ به تغییرات محیطی اشاره دارد. انعطاف‌پذیری خانواده به عنوان توانایی نظام خانواده در پاسخ‌گویی به تغییرات در ساختار خانواده، نقش ارتباطات و قواعد ارتباطی در مقابل تنیدگی‌های موقعیتی و تحولی، تعریف شده است. در این الگو نیز ۴ سطح از انطباق‌پذیری تعریف شده است که شامل: سخت (انعطاف‌پذیری خیلی پایین)، ساخت‌یافته (انعطاف-پذیری پایین رو به سوی متوسط)، انعطاف‌پذیر (انطباق‌پذیری متوسط رو به بالا)، بی‌نظم یا هرج و مرج (انعطاف‌پذیری خیلی زیاد) است. سطوح مرکزی بعد انعطاف‌پذیری (ساخت‌یافته و انعطاف‌پذیر) منجر به برقراری توازن و کارکرد سالم خانواده‌ها می‌شود در حالی که سطوح افراطی آن (بی‌نظم و انعطاف‌ناپذیر) برای چرخه زندگی بیشترین مشکلات را به وجود می‌آورد (السون، ۱۹۸۶). بنابراین می‌توانیم در بعد سازگاری (انعطاف‌پذیری) ۴ نوع خانواده را در نظر بگیریم:

۸- Separated
۹- Connected
۱۰- Enmeshed

- سفت و سخت^{۱۱} (کم): که این گونه خانواده‌ها دارای رهبری مستبدانه، نظام سخت و دقیق، بحث و گفتگوی محدود و کم و نقش‌ها و قوانین ثابت.

- ساختاری^{۱۲} (کم تا متوسط): در این گونه خانواده‌ها بعضی اوقات رهبری به طور مشترک است، تا حدودی دموکراتیک است، بحث و گفتگوی سازمان‌دهی شده برقرار است و نقش‌ها با ثبات و مشخصند، اما زمانی که نیاز است می‌تواند تغییر کند و تغییرات کمی در قانون خانواده دیده می‌شود.

- انعطاف پذیر^{۱۳} (متوسط تا زیاد): در این گونه خانواده‌ها اغلب رهبری به طور مشترک است، دموکراتیک است، بحث و گفتگو آزاد در آن برقرار است، نقش‌ها در آن تقسیم شده اما تا حدودی ثابت است، قانون متعادل زمانی که نیاز باشد تغییر پیدا می‌کند.

- آشفته و پر هرج و مرج^{۱۴} (خیلی زیاد): در این گونه خانواده‌ها عدم رهبری، وجود بی‌نظمی و بحث بی‌پایان و تغییرات مکرر قوانین مشاهده می‌شود.

مدل سرکامپلکس توصیفی برای سنخ‌های خانوادگی و زناشویی مطرح شده است و از ترکیب این ابعاد ۴*۴، ۱۶ نوع خانواده متفاوت به وجود می‌آید.

متعادل میا C اطی B A

(A)۱	۲ (b) (B) ۳	(A)۴
(b)۵	(C)۶(C) ۷	(B)۸
(b)۹	(C)۱۰(C) ۱۱	(B)۱۲
(A) ۱۳	(b) ۱۴(b) ۱۵	(A)۱۶

شکل ۱- (الگوی سرکامپلکس، سه نوع از نظام‌های خانوادگی و زناشویی برگرفته از السون و همکاران، ۲۰۰۷:۱۴).

خانواده‌های متعادل روی هر دو بعد در یکی از دو سطح میانی قرار دارند. خانواده‌های میانی فقط روی یکی از دو بعد در یکی از دو سطح میانی قرار دارند. خانواده‌های افراطی روی هر دو بعد در

۱۱ - Rigid
 ۱۲ - Structured
 ۱۳ - Felexible
 ۱۴ - Choatic

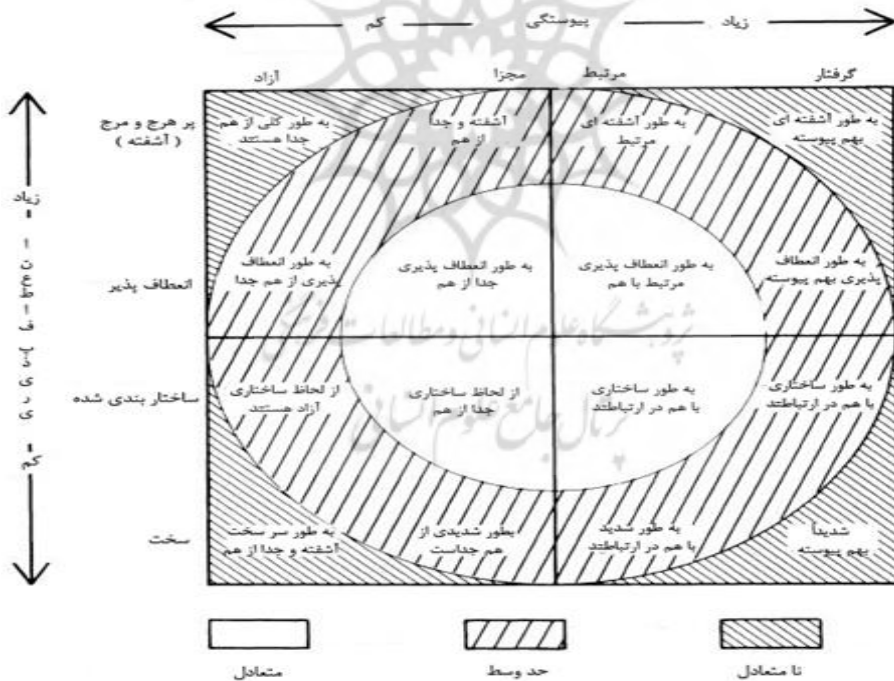
یکی از دو انتهای افراطی قرار دارند. با استفاده از این طرح می توان خانواده ها را گروه بندی کرد. السون و همکارانش بر اساس این الگو به ارزیابی کنش وری خانواده پرداختند و جنبه های متفاوت تعاملات خانوادگی و زناشویی را که شامل ساختار خانواده بوده است را اندازه گیری کردند. در این تحقیق با توجه به الگوی سرکامپلکس مطرح شده توسط السون، فرضیه های زیر مطرح می شود.

- بین انواع خانواده در بعد پیوستگی و میزان رفتار انحرافی نوجوانان تفاوت معناداری وجود دارد. (فرضیه مقایسه ای)

- بین انواع خانواده در بعد انعطاف پذیری و میزان رفتار انحرافی نوجوانان تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه مقایسه ای).

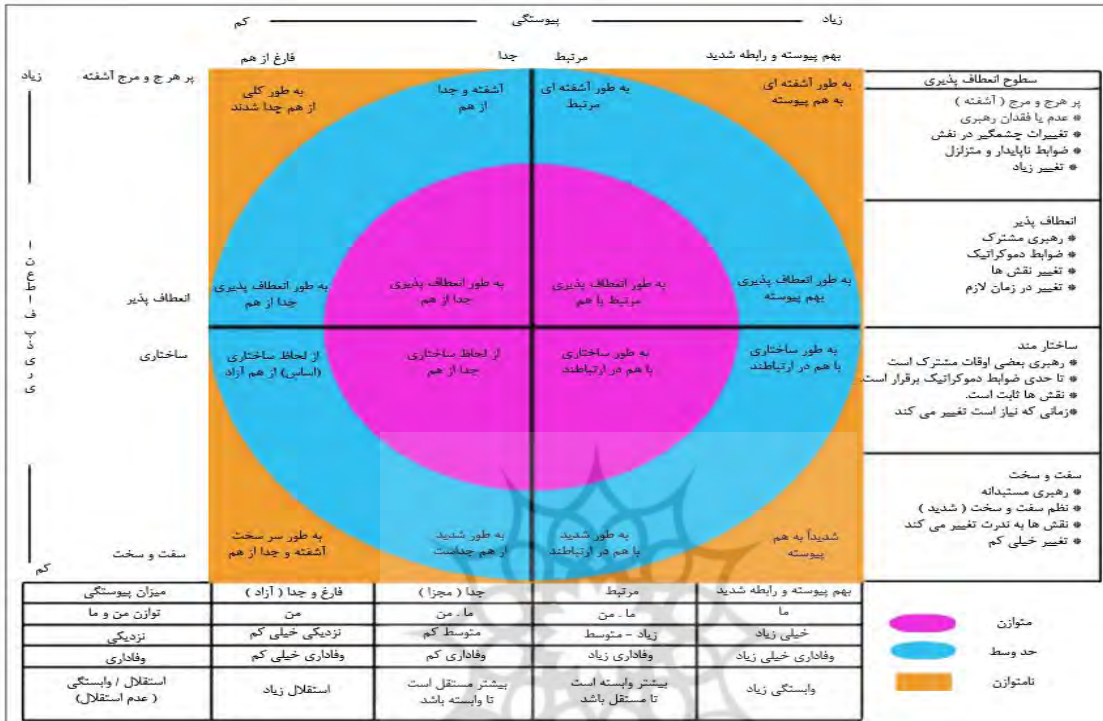
- بین جنسیت و میزان رفتار انحرافی نوجوانان، تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه مقایسه ای).

- بین میزان سن و میزان رفتار انحرافی نوجوانان، رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه علی).



شکل ۲- (الگوی سرکامپلکس، سه نوع از نظام‌های خانوادگی و زناشویی برگرفته از السون و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۴).





شکل ۳- (الگوی سرکامپلکس، سه نوع از نظام‌های خانوادگی و زناشویی برگرفته از السون و همکاران، ۱۹۹۹: ۵).

روش تحقیق

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش ۲۰۸۱۲ نفر نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله ساکن قائم شهر می‌باشند. نمونه پژوهش: نمونه مورد بررسی در این پژوهش با محاسبه فرمول کوکران، ۴۰۰ نوجوان ساکن قائم شهر می‌باشند که از این تعداد ۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر پسر نمونه مورد نظر را تشکیل می‌دادند. برای دست یافتن به چنین نمونه ای ابتدا با توجه به منطقه بندی در شهرستان و مؤسسات فرهنگی و ورزشی انتخاب شده در هر منطقه به طور تصادفی نوجوانان مورد نظر نمونه انتخاب شدند.

شیوه اجرا: در این پژوهش از روش پرسشنامه استفاده شده و پس از آماده شدن آن و بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه و همچنین مشخص کردن مناطق و مؤسسات فرهنگی و ورزشی مورد نظر به این مکان‌ها مراجعه و پرسشنامه مورد نظر بر روی نوجوانان پسر و دختر اجرا گردید.

ابزار اندازه گیری: برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق نخست این متغیرها تعریف مفهومی و سپس تعریف عملیاتی شدند و آن گاه شاخص‌های لازم تعیین و از میان آن شاخص‌ها پرسشنامه ای با ۷۳ سؤال تدوین شد.

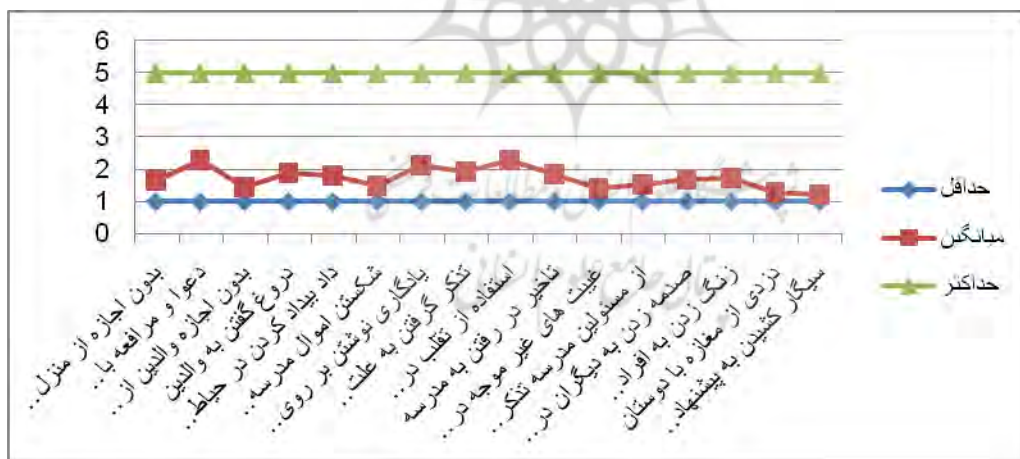
برای اندازه گیری متغیر مستقل (عملکرد خانواده) و متغیر وابسته (رفتار انحرافی نوجوانان) از پرسشنامه ای با سؤال‌های استاندارد شده و محقق ساخته استفاده گردید. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید و ضریب آلفای به دست آمده برای هر یک از متغیرها (رفتارهای انحرافی: ۰/۸۳ و عملکرد خانواده: ۰/۷۶) به دست آمده است.

روش‌های آماری تجزیه و تحلیل: داده‌های این پژوهش با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی متناسب با سطح اندازه گیری متغیرها و کمی و کیفی بودن آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش توصیفی که شاخص‌های پراکندگی می‌باشد، از انحراف معیار و حداقل و حداکثر استفاده شده است و برای شاخص مرکزی از میانگین استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، با توجه به ماهیت داده، نوع متغیر، قیاس اندازه گیری، مستقل و وابسته بودن نمونه‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند و با توجه به میزان روایی قابل قبول، دو نوع تحلیل (آزمون t دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه) به کار رفته است.

یافته های تحقیق

جدول ۲- آماره های توصیفی مربوط به گویه های شانزده گانه شاخص در متغیر وابسته (رفتار انحرافی خفیف)

ردیف	گویه	بند	میانگین	انحراف استاندارد	آفا
رفتار های انحرافی خفیف	۱ بدون اجازه بیرون رفتن از منزل	۱/۶۶	۱/۱۷۲	۰/۸۲۸	
	۲ دعوا و مرافعه با خواهران و برادران در منزل	۲/۲۸	۱/۳۹۵	۰/۸۳۴	
	۳ بدون اجازه والدین از کیف آن‌ها پول گرفتن	۱/۴۶	۱/۰۰۵	۰/۸۲۱	
	۴ دروغ گفتن به والدین	۱/۸۹	۱/۰۷۷	۰/۸۲۵	
رفتار های انحرافی در مدرسه	۵ داد بیداد کردن در حیاط مدرسه	۱/۸۱	۱/۱۱۱	۰/۸۱۹	
	۶ شکستن اموال مدرسه برای سرگرمی	۱/۴۹	۰/۹۹۸	۰/۸۲۰	
	۷ یادگاری نوشتن بر روی لوازم و وسایل مدرسه	۱/۲۲	۱/۳۶۰	۰/۸۱۶	
	۸ تذکر گرفتن به علت رعایت نکردن قوانین مدرسه	۱/۹۲	۱/۲۱۲	۰/۸۲۵	
	۹ استفاده از تقلب در امتحانات سخت و مشکل	۲/۲۹	۱/۴۰۴	۰/۸۲۳	
	۱۰ تأخیر در رفتن به مدرسه	۱/۸۶	۰/۲۶۷	۰/۸۲۴	
	۱۱ غیبت‌های غیر موجه در کلاس درس و بیرون رفتن با دوستان	۱/۴۱	۰/۹۸۷	۰/۸۲۱	
	۱۲ از مسئولین مدرسه تذکر گرفتن به علت نداشتن پوشش مناسب	۱/۵۳	۱/۰۹۴	۰/۸۱۸	
رفتار انحرافی شدید	۱۳ صدمه زدن به دیگران در مواقع عصبانیت	۱/۶۸	۱/۱۱۹	۰/۸۲۱	
	۱۴ زنگ زدن به افراد متفرقه و اذیت کردن آن‌ها به همراه دوستان	۱/۷۴	۱/۲۴۶	۰/۸۲۳	
	۱۵ دزدی از مغازه یا دوستان	۱/۲۹	۰/۷۵۵	۰/۸	
	۱۶ سیگار کشیدن به پیشنهاد دوستان	۱/۲۲	۰/۷۲۹	۰/۸۲۳	



متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی خفیف) در این پژوهش با ۱۶ گویه سنجیده شده است. شاخص کلی رفتار انحرافی با میانگین نمره ۱/۷۱ حاکی از وقوع انحراف تقریباً در حد پایین در جامعه‌ی آماری فوق است. کوچک‌ترین میانگین مربوط به گویه ی ۶۵ (سیگار کشیدن به پیشنهاد دوستان) در بعد رفتارهای انحرافی خفیف در بین دوستان است و بیشترین میانگین مربوط به گویه ۵۹ (استفاده از تقلب در امتحانات سخت و مشکل) است که مبین توافق پاسخگویان روی پاسخ داده شده است. با توجه به جدول و نمودار، همان طور که ملاحظه می‌شود به طور ضمنی به این نتیجه می‌رسیم که میزان انحراف در هر ۳ متغیر کمتر از مقدار متوسط ۳ بوده و در بین این ۳ متغیر وابسته، مقدار انحراف در بین خانواده با میانگین ۱/۸۰ بیشتر بوده و مقدار انحراف در بین دوستان با میانگین ۱/۷۸ کمترین بوده است. از میان رفتارهای انحرافی خفیف در مدرسه، بیشترین انحراف در استفاده از تقلب در امتحانات و کمترین میانگین در شکستن اموال مدرسه بوده است. از میان رفتارهای انحرافی خفیف در بین خانواده، بیشترین انحراف در خانواده (۲/۲۸) دعوا و مرافعه با برادران و خواهران در منزل و کمترین انحراف، بدون اجازه از کیف پول آن‌ها پول گرفتن بوده است. از میان رفتارهای انحرافی خفیف در بین دوستان، بیشترین انحراف در بین دوستان زنگ زدن به افراد متفرقه و اذیت کردن آن‌ها به همراه دوستان و (۱/۲۲) سیگار کشیدن به پیشنهاد دوستان بوده است.

بر اساس اطلاعات جدول زیر، در بعد پیوستگی، عملکرد خانواده خانواده‌هایی که دارای وابستگی متعادل می‌باشند دارای ۷۶/۵ درصد و کمترین مقدار آن به خانواده آزاد که از نوع نامتعادل است با ۰/۵ درصد می‌باشد و به طور کلی میانگین در بعد پیوستگی، مقدار ۳/۱۲ می‌باشد که این مقدار نشان دهنده این است که اکثر خانواده‌ها در وابستگی متعادل قرار می‌گیرند.

در بعد انعطاف‌پذیری، با وجود ۴ نوع خانواده که شامل (متعصب، ساختارمند، انعطاف‌پذیر، پر هرج و مرج) می‌باشند خانواده‌هایی ساختارمند و انعطاف‌پذیر طبق تحقیقات اولسون جزء خانواده‌های متعادل و خانواده‌های متعصب و پر هرج و مرج جزء خانواده‌های نامتعادل می‌باشد که در میان ۴۰۰ نفر پاسخ‌گو، خانواده متعصب (نامتعادل) ۱ درصد و خانواده‌های ساختارمند و انعطاف‌پذیر را که به عنوان خانواده متعادل در نظر گرفته است ۹۰/۵ درصد را تشکیل داده و خانواده پر هرج و مرج (نامتعادل) را

۸/۵ بوده است و مقدار میانگین در بعد انعطاف پذیری به مقدار ۲/۹۲ بوده است، که نشان دهنده این است که اکثر خانواده‌ها در انعطاف پذیری متعادل قرار می‌گیرند.

جدول ۳- میانگین متغیرهای تحقیق

متغیر	بعد	نوع خانواده		درصد	میانگین	انحراف معیار	آلفا
		آزاد	نامتعادل				
عملکرد خانواده	پوستگی	مجزا	۰/۵	۱۰	۳/۱۲	۰/۵۸۰۰۴	۰/۷۶
		مرتبط	متعادل	۶۶/۵			
		گرفتار	نامتعادل	۳۲			
	انعطاف پذیری	متعصب	نامتعادل	۱	۲/۹۲	۰/۵۰۹۹۳	۰/۷۷
		ساختارمند	متعادل	۱۴			
		انعطاف پذیر	نامتعادل	۷۶/۵			
		بر هرج و مرج	نامتعادل	۸/۵			

جدول ۴- آزمون مربوط به مقایسه میانگین نمره های رفتار انحرافی دختران و پسران

متغیر وابسته	متغیر مستقل (جنسیت)	تعداد	میانگین	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	t	df	Sig
رفتار انحرافی	دختر	۲۰۰	۲۵/۷۱	-۳/۳۰۲۹۴	۰/۹۵۲۲۶	-۳/۴۶۹	۳۹۸	۰/۰۰۱
	پسر	۲۰۰	۲۹/۰۲					
رفتار انحرافی در مدرسه	دختر	۲۰۰	۱۳/۳۷۷۴	-۱/۷۸۰۵۰	۰/۵۵۳۴۵	-۳/۲۱۷	۳۹۸	۰/۰۰۱
	پسر	۲۰۰	۱۵/۱۵۷۹					
رفتار انحرافی در خانواده	دختر	۲۰۰	۶/۸۴۶۳	-۰/۷۲۳۴۳	۰/۱۲۷۶۹۹	-۲/۶۱۲	۳۹۸	۰/۰۰۹
	پسر	۲۰۰	۷/۵۶۹۷					
رفتار انحرافی در بین دوستان	دختر	۲۰۰	۵/۴۸۷۴	-۰/۸۰۷	۰/۲۶۵۳۰	-۳/۰۴	۳۹۷	۰/۰۰۲
	پسر	۲۰۰	۶/۲۹۵۰					

با توجه به جدول بالا، رفتار انحرافی با ابعاد آن (رفتار انحرافی در بین مدرسه، خانواده، دوستان) به طور جداگانه با متغیر جنسیت (دختر و پسر) تجزیه و تحلیل شده است که برای مقایسه میانگین‌های دو گروه دختر و پسر در سنجش رفتار های انحرافی از آزمون t دو گروهی مستقل استفاده شده است. از آنجایی که نسبت جنسی دو گروه برابر می‌باشد و تفاوت معنا داری بین مقدار و میزان رفتار انحرافی و رفتار انحرافی در بین دوستان و رفتار انحرافی در مدرسه در بین این دو گروه موجود است این تفاوت به نفع پسران است یعنی میزان رفتار انحرافی در بین پسران بیشتر از دختران می‌باشد و اما میزان رفتار انحرافی در بین خانواده رابطه معناداری در بین این دو گروه وجود ندارد

تحلیل رابطه بین سن و رفتار انحرافی نوجوانان

از آنجایی که متغیر پیوستگی خانواده به عنوان متغیر مستقل با سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد و میزان رفتار انحرافی نوجوانان به عنوان متغیر وابسته با سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد، برای تحلیل بین این دو متغیر، با توجه به نوع فرضیه (فرضیه علی) به تحلیل این رابطه می‌پردازیم:

بین سن و رفتار انحرافی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم تا متوجه شویم آیا سن بر روی رفتار انحرافی نوجوانان تأثیرگذار است یا نه؟ و شدت این رابطه را طبق همبستگی پیرسون به دست آوریم.

جدول ۵- همبستگی بین سن و رفتار انحرافی نوجوانان

متغیر وابسته	متغیر مستقل	همبستگی پیرسون r	سطح معناداری sig
رفتار انحرافی نوجوانان	سن	۰/۲۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول همبستگی پیرسون با فاصله اطمینان ۰/۹۵، سطح معناداری برابر است با $\text{sig} = ۰/۰۰$ یعنی با اطلاعات موجود H_0 ، ابطال شده و H_1 تأیید می‌گردد به بیان دیگر بین سن و رفتار انحرافی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی که برابر است با $r = ۰/۲۲$ رابطه متوسط می‌باشد و با توجه به علامت آن که مثبت است جهت رابطه مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش سن نوجوانان رفتار انحرافی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

جدول ۶- میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای مقیاس عملکرد خانواده در دو بعد پیوستگی و انعطاف پذیری و نتایج تحلیل واریانس مقایسه گروه‌ها

ردیف	مؤلفه‌های در نظر گرفته شده	انواع خانواده	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تقابلی شنه
۱	پیوند عاطفی - درگیری خانواده رابطه والدین و فرزندان - حد و مرز داخلی - زمان - فضا - تصمیم گیری - دوستان - فعالیت‌ها	خانواده بی تعهد	۲	۳۷	۰	۳۹۹	۱۴/۳۵	۰/۰۰	
		خانواده جدا	۴۰	۳۵/۶۲	۱۲/۲۵				
		خانواده مرتبط	۲۶۶	۲۷/۰۱	۸/۳۵				
		خانواده گرفتار	۹۲	۲۴/۶۰	۱۰/۰۴				
۲	رهبری (کنترل) - انضباط مذاکرات - نقش‌ها - قوانین	خانواده متعصب	۴	۲۵	۸/۴۸	۳۹۹	۳/۳۷	۰/۰۱۹	
		خانواده ساختارمند	۵۶	۳۱/۰۸	۱۰/۰۹				
		خانواده انعطاف پذیر	۳۰۶	۲۶/۸۵	۹/۵۸				
		خانواده آزاد	۳۴	۲۶/۱۹	۸/۵۴				

نتایج داده‌ها در جدول نشان می‌دهد بیشترین میانگین نمرات در بعد پیوستگی خانواده در خانواده‌های جدا می‌باشد و در بعد انعطاف‌پذیری خانواده در خانواده ساختارمند می‌باشد و با توجه به sig که در هر دو متغیر، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. تفاوت معناداری در رفتار انحرافی بین ۴ نوع خانواده (بی‌تعهد، جدا، مرتبط، گرفتار) و (متعصب و ساختارمند و انعطاف‌پذیر و آزاد) وجود دارد. طبق آزمون شفه انجام گرفته، نوجوانانی که نوع خانواده‌شان ساختارمند است به طور معناداری با نوجوانانی که نوع خانواده‌شان انعطاف‌پذیر است رفتارهای انحرافی بالاتری را دارند و طبق متغیر پیوستگی خانواده‌ها از میان ۴ نوع خانواده، نوجوانانی که نوع خانواده‌شان جداست به طور معناداری با نوجوانانی که در خانواده مرتبط و گرفتار است از رفتار انحرافی بالاتری برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق تحقیقی که دیوید السون در رابطه با ارتباط والدین - جوانان از میان ۴۲۶ خانواده انجام داد به این نتیجه رسید که خانواده‌های متعادل، رابطه مثبت‌تری (رابطه بین والدین - جوانان) از خانواده‌های نامتعادل داشته‌اند در نتیجه یک رابطه خطی را بین روابط والدین - جوانان و رضایت خانواده مشخص کرد (بارنس، ۱۹۸۵: ۴۳۸)؛ لذا در این تحقیق که خانواده‌های متعادل بیشترین فراوانی و درصد را داشته‌اند نشان دهنده این است که اکثر نوجوانان در خانواده‌های متعادل هستند. همچنین در بین ۳ نوع خانواده: مجزا، مرتبط، گرفتار با توجه به این که تفاوت معناداری بین این خانواده‌ها از نظر رفتار انحرافی وجود دارد. با توجه به آزمون شفه، نوجوانانی که نوع خانواده‌هایشان جداست به طور معناداری با نوجوانانی که در خانواده‌های مرتبط و گرفتار است از رفتارهای انحرافی بالاتری برخوردارند. تفاوت موجود در میانگین رفتار انحرافی بین خانواده ساختارمند با خانواده انعطاف‌پذیر وجود دارد و نوجوانانی که نوع خانواده‌شان ساختارمند است به طور معناداری با نوجوانانی که نوع خانواده‌شان انعطاف‌پذیر و آزاد است رفتارهای انحرافی بالاتری را دارند.

با توجه به دامنه‌ی وسیعی از متغیرهای اثرگذار بر روی رفتارهای انحرافی نوجوانان، امروزه متغیرهایی همانند نظارت والدین بر فرزندان و حمایت آن‌ها و...، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدین ترتیب

با توجه به مطالعات امروزی، بیش از ساختارهای خانوادگی، به چگونگی عملکرد خانواده توجه می‌کند.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که نظارت، کنترل، عوامل مهمی در تربیت مثبت و صحیح نوجوان است گفتگو، ارتباط، تبیین و تثبیت روابط خوب و سازنده میان والدین و نوجوانان باید بتواند سبک تربیتی مثبت و موثری را پایه‌ریزی کند. بی توجهی و واکنش بیش از حد والدین، محیط سخت و پرخاشگری آن‌ها می‌تواند سبب خیابانی شدن نوجوان و در نهایت بزهکاری آنان شود.

منابع

منابع فارسی

- روزبهنی، ت. (۱۳۷۸)، نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد الزهرا.
- کدیور، پ و همکارانش. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با کمک سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و مقاومت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و چهارم، شماره ۲، صفحه ۹۷-۱۲۳.
- مظاهری و همکارانش، (۱۳۸۵)، گزارش نهایی طرح پژوهشی مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در نوجوانان و والدین، سازمان ملی جوانان توسط پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

منابع لاتین

- Barnes.Harward.L, Olson.David.H. (1985), Parent-Adolescent Communication and the Circumplex Model, Family Development and the Child, Vol 56, No 2,438-447.
- Olson.David.H. (1986),Circumplex Model VII: Validation Studies and FACES III, Family Social Science,Vol25, :337-351.
- Olson.David.H.(1999),Circumplex Model of Marital & Family Systems, Journal of Family Therapy, vol22, 69-83.
- Olson.David.H,Gorall.Dean.M.(2006), FACES IV & the Circumplex Model, Journal of Marital and Family Therapy, Volume 37, Issue 1, pages 64-80.
- Olson.David.H, Gorall.Dean.M, Tiesel, Judy.W. (2007), FACES IV & the Circumplex Model Validation Study, Minneapolis, MN: Life Innovations.